

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۱۷

(صفحه ۶۹-۸۶)

## آیین فتوت، جوانمردی و اخیت در ایران و آسیای صغیر

مهتری باقری \*

چکیده: آیین فتوت یا جوانمردی یکی از مؤثرترین نهضت‌های اجتماعی در سراسر سرزمین‌های خلافت شرقی به‌ویژه آسیای صغیر، ایران، سوریه، آلبانی و مصر بوده است. برخی از خلفای عباسی از این تشکل‌های مردمی در راستای مقاصد خود سود جستند. سرانجام، با سلطهٔ هلاکو بر بغداد و انقراض عباسیان، از نفوذ و قدرت فتیان در ممالک اسلامی کاسته شد. ولی در آسیای صغیر پیروان این آیین از قرون هفتم و هشتم هجری، به‌ویژه با شکل‌گیری «بکتاشیه» جایگاه قابل توجهی به‌دست آوردند. جوانمردان در آسیای صغیر «اخی» خوانده می‌شدند و «اخیّت» در آناتولی و بلاد روم، با پیوستن سپاهیان «ینی‌چری» به طریقهٔ بکتاشیه، از قرن نهم تا سیزدهم هجری جایگاهی رفیع و رواجی چشمگیر یافت و پیروان این طریقت در تمامی ابعاد و شئون اجتماعی و سیاسی آن سامان تأثیر بسزایی داشتند.

یکی از میراث‌های مشترک فرهنگی و اجتماعی ایران و آسیای صغیر که حاصل این نهضت‌ها و تشکل‌های مردمی است، فتوت‌نامه‌هایی است که به زبان فارسی، ترکی و عربی تألیف شده و مانند گنجینه‌ای است برای شناخت ساختار اجتماعی و آداب و رسوم و ارزش‌های اجتماعی آن اعصار.

کلیدواژه‌ها: فتوت، فتوت‌نامه، جوانمردی، اخیت، آیین جوانمردی و اخیت در آسیای صغیر

ایران و آسیای صغیر، به دلیل نزدیکی و هم‌جواری، از دیرباز مواریث مشترکی داشته‌اند. این اشتراک و ارتباط، که به موجب همسانی برخی از زیربناهای دو جامعه و شرایط و مقتضیات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مشابه، به وجود آمده است، از یک سو تفاهم و تعامل دو ملت را آسان‌تر و مهیاتر می‌کند و از سوی دیگر، با غنا بخشیدن به بازمانده‌های تاریخی هر کدام، بر وزن و ارج میراث‌های تمدنی و فرهنگی‌شان می‌افزاید.

گنجینه وزین میراث مکتوب از جمله دستاوردهای مشترک فرهنگی این دو همسایه دیرآشناست که به زبان‌های فارسی، ترکی و عربی نگاشته شده است. این یادگارهای ثمین که یا در طرز و شیوه یا در موضوع و مضمون یا در وزن و قالب و یا در نوع ادبی همسان‌اند، به دلیل مشابهت و نظیره‌گویی، می‌توانند حلقه‌هایی از یک سلسله مطول به شمار آیند. این گونه آثار، گذشته از دارا بودن ارزش‌های زبانی و ادبی و اخلاقی و حکمی، به مثابه آرشیو اطلاعاتی دقیق از آگاهی‌ها و اخباری است که تمامی وقایع اتفاقیه و آنچه را که در روزگاران پیشین جریان داشته، همچون آینه‌ای، به ما می‌نمایانند. بخش مهمی از این ذخایر مکتوب به ادبیات عامیانه تعلق دارد و حاوی مطالب و نکاتی است که در تاریخ مکتوب گزارش نشده است.

ارزش افزوده این گونه متون در آن است که جزئیات مؤثر و دخیل در پردازش نتایج کلی مذکور در تواریخ را بیان می‌کنند و گاه، همچون واژه‌نامه و دانشنامه‌ای، مفهوم بسیاری از باورها، عادت‌ها، کردارها، نهادهای اجتماعی و حتی اصطلاحات و کاربردهای ناشناخته زبانی را آشکار می‌کنند.

مهم‌ترین این مواریث فرهنگی که در سلسله آثار قلمی و گنجینه متون ادبی عامیانه ایران و آسیای صغیر قرار دارند فتوت‌نامه‌ها هستند، که گاه با نام‌های دیگری نظیر رسائل جوانمردی، رساله‌های خاکساریه، آداب جوانمردی، قلندرنامه، فتوتیه و... خوانده می‌شوند.

نگارش فتوت‌نامه‌ها به زبان‌های فارسی، ترکی و عربی گویای آن است که آیین جوانمردی و آداب فتوت، از نخستین سده‌های اسلامی، در تمامی سرزمین‌های خلافت شرق، از سیستان و خراسان و آسیای کوچک و آناتولی و بلاد روم تا اندلس و مصر و طنجه و دیگر نواحی تحت سلطه خلفا، معمول و مرسوم بوده است و پیروان

آن در شکل‌گیری حکومت‌ها، سرنوشت جوامع، و اتّفاقی‌ها و رویدادهای تاریخی و اجتماعی نقش بسیار مؤثری داشته‌اند.

فتوت یا جوانمردی، به صورت یک اصطلاح دینی و اجتماعی، مسلک و روش خاصی است که پس از تصوّف، در کشورهای اسلامی بیش از هر طریقه دیگر رواج داشته است (نفیسی: ۱۳۴). به دلیل اینکه به وجودآوردگان نخستین دسته‌ها و گروه‌های فتوت، فضایل و خصلت‌های پسندیده اخلاقی همچون سخاوت و بخشندگی، شجاعت و بی‌باکی، بلندهمتّی، یاری ضعیفان و دفاع از مظلومان، مهمان‌دوستی و غریب‌نوازی به‌ویژه مسافران را مرام و روش اساسی خود قرار داده و به این صفات زبازد شده بودند، رفته‌رفته واژه فتوت، علاوه بر مفهوم «جوانمردی» و «مروت»، معنی «نیکوخلصتی» و «خوش‌خویی» و «همنوع‌یاری» را نیز به اذهان متبادر می‌کرد.

مستحسن بودن مسلک فتوت و ارزش اجتماعی جوانمردان، در شرایط و اوضاع اجتماعی و سیاسی آن روزگاران، به‌ویژه در ایران و آسیای صغیر و سرزمین‌های اسلامی دیگر چون سوریه و مصر، موجب شد جوانانی که فضایل و خصایص یادشده را لازمه انسانیت و هدف زندگی این جهانی و توشه آن جهانی می‌دانستند، گرد هم آیند و گروه‌ها و دسته‌هایی به نام فتوت تأسیس کنند. این تشکلهای مردم‌نهاد، در جهان آن روز، به منزله احزاب و باشگاه‌های جوانان و نیروهای فعال و عامل و نافذ جامعه به حساب می‌آمدند که اساسنامه و مرام‌نامه آنها بر دو اصل استوار بود:

(۱) اعتقاد و پایبندی به فضایل و اصول اخلاقی؛

(۲) الزام به انجام وظایف و تعهدات اجتماعی.

اصل دوم که نوعی تأکید بر همیاری و نوع‌دوستی و نقش مؤثر جوانمردان در سرنوشت شهروندان و رفع دشواری‌ها و گرفتاری‌ها و نیازهای آنان بود، به تدریج به دخالت فتیان در سیاست‌گذاری‌های کشوری، به‌ویژه در عصر عباسیان، منجر شد. ولی نخستین رکن و اصل فتوت که لازمه گروه‌ها و دسته‌های جوانمردی بود، در سده‌های نخستین دوران اسلامی، مرام و مسلک و شیوه‌های عملی این طایفه را از ارکان اساسی تعلیم و تربیت قرار داد. از این رو، در این دوره پندنامه‌های متعددی در این باره نگاشته شده است،

از جمله فصل چهل و چهارم کتاب *قابوس‌نامه*، از متون مهم اندرزی قرن پنجم هجری، به شرح و توضیح جوانمردی و شرایط آن پرداخته است.

متصوّفه نیز، با پذیرفتن فتوت به عنوان یک مفهوم اخلاقی و پایبندی به فضایل انسانی و اخلاقی، در نوشته‌ها و رساله‌های خود به این موضوع پرداختند و از سده چهارم هجری به بعد در آثار خود، درباره فتوت و آداب و شرایط آن بحث کردند، چنان‌که ابوعبدالرحمن سلّمی (در کتاب *الفتوة*)، قشیری (در *رساله قشیریه*) و پس از ایشان، ابن عربی (در *فتوحات مکیه*) فصولی در این موضوع نگاشته‌اند (برای توضیحات بیشتر ← تشریح: ۷۶ به بعد). صوفیان دیگر نیز، اغلب مطالبی در این باره آورده‌اند.

بدین ترتیب، مفهوم اخلاقی فتوت مترادف با مروّت و نیک‌نفسی، بدون توجه به نقش و دیدگاه‌های اجتماعی فتیان، همواره با اقبال نویسندگان اهل تصوّف و عرفان روبه‌رو بوده است. نزدیکی و همسویی برخی از افکار و عقاید مشترک عارفان و صوفیان با فتیان و جوانمردان سبب شد تا واژه «فتوت» بار معنایی تازه‌ای بیابد و مترادف «تصوّف» به کار رود. در نتیجه این پیوستگی و تأثیر فتوت در تصوّف، بسیاری از اقطاب و پیران صوفیه به حلقه فتیان وارد شدند و گه‌گاه رهبری گروه‌هایی از آنان را نیز بر عهده گرفتند.

با توجه به آنچه گفته شد، در نخستین سده‌های اسلامی، فتوت و تصوّف به هم بسیار نزدیک و شبیه بودند و جز تفاوت اندکی در پاره‌ای از آداب و رسوم خاص، فرق چندانی نداشتند و به همین سبب، بسیاری از صوفیان به فتوت گراییدند. فتوت، با تأکید ویژه بر جنبه‌های اخلاقی و مردم‌محوری، از یک سو عرفان اسلامی را غنی‌تر و فعال‌تر کرد و از سوی دیگر وسیله‌ای برای کمک به درماندگان و استیصال ستمگران و بیمناکی جابران جامعه گشت.

البته باید توجه داشت که جنبه‌های اجتماعی فتوت و تکامل آن، به شکلی که روش و عملکرد جوانمردان بود، دنباله روش و منش عیاران است. شیوه‌های عیّاری (آیاری) نیز ریشه در ایران پیش از اسلام دارد<sup>۱</sup> و به دلیل خاستگاه اصلی این

---

۱. نگارنده خاستگاه و پیشینه آیین‌های جوانمردی و عیّاری در ایران‌زمین را در مقاله «آیین آیاری (عیّاری)، پیشینه آن در ایران باستان و ادامه آن در دوران اسلامی» بررسی کرده است (← باقری: ۱۷۵-۱۹۰). این مقاله در *یادنامه دکتر حسن حبیبی*، زیر نظر دکتر غلامعلی حدادعادل و به همت فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در ۱۳۹۵ منتشر شده است.

ایدئولوژی و دیدگاه‌های مردمی آن، آغاز جنبش‌های اجتماعی فتیان و تشکیل گروه‌ها و دسته‌های جوانمردی به ایران‌زمین بازمی‌گردد، در حالی که فتوت بعدها، به‌ویژه در منطقه آسیای صغیر، رواج و مقبولیت بیشتری یافت. ویژگی‌های شاخص و زبانزد عیاری عبارت بود از یاری نیازمندان و مظلومان، شجاعت و تهور، سلحشوری و مهارت در کاربرد زین‌افزارهایی چون کمان، کمند، کارد، خنجر و نظایر اینها، و ورزشی و چالاک‌ی در انجام مأموریت‌های دشوار، رسیدگی به شکایات و رفع ظلم از مظلوم، یاری مستمندان و زورافزایی در ورزشگاه‌ها.

در ایران باستان افرادی از طبقه سپاهی و ارتشی که «سوار» بودند و نیز افرادی از طبقه دست‌ورزان و پیشه‌وران که «پیاده» بودند، در یک گروه که اهداف مشترکی را دنبال می‌کردند، گرد آمده و دسته‌ای هم‌اندیش و هم‌گنش، موسوم به «سواران» یا «ایاران» را به‌راه می‌انداختند. همین گروه‌های فعال مردمی که ستمکاری و خودکامگی را برنمی‌تافتند و دخالت در امور اجتماعی و برقراری عدالت را وظیفه انسانی خود می‌دانستند، در سده‌های نخستین اسلامی نیز، با نام «عیاران» (ایاران) یا جوانمردان، سعی در اصلاح امور جامعه داشتند. ابومسلم خراسانی، یعقوب لیث صفاری و دیگر دسته‌های عیاران و جوانمردان از زمره پیروان همین سنت اجتماعی و مردمی دیرین به شمار می‌روند.

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، در دوران اسلامی مقبولیت مرام و حق‌طلبی دسته‌های عیاری در دیگر کشورهای اسلامی نیز رواج یافت و با حمایت‌های مردمی، روز به روز به نفوذ دسته‌های جوانمردی یا فتوت افزوده می‌شد.

جوانمردان در آسیای صغیر اخی نامیده می‌شدند و اصطلاح اخیت در آن دیار معادل و مترادف جوانمردی به‌کار برده می‌شد. اخی به‌معنی «برادر من» است و این نام‌گذاری در آسیای صغیر برگرفته از مفهوم اخوت و مؤاخات اسلامی است؛ همچنان‌که برادری و اخوت را پیامبر اکرم ص، به‌تصریح آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات ۴۹: ۱۰)، در میان مهاجران مکه و انصار برقرار کرد.

این‌چنین بود که بسیاری از مشایخ عالم اسلام که بر مسلک فتوت بودند، «اخی» لقب گرفتند، نظیر اخی فرج زنجانی که در سده پنجم هجری می‌زیست و بنا به اشاره دولت‌شاه سمرقندی، حکیم نظامی گنجوی از پیروان آموزه‌های او بوده است. ابن بطوطه،

سیاح بلندآوازه مراکشی، در سفرنامه خود به کرات از اصطلاح اخی به مفهوم شیخ و پیر فتیان و جوانمردان یاد می‌کند<sup>۱</sup>. گزارش ابن بطوطه در بخش مربوط به بلاد روم و آسیای صغیر و برجسته‌سازی آداب و مرام جوانمردی در سطوح مختلف جامعه، از سلاطین تا کسبه، گواهی آشکار بر میزان شیوع و رواج گسترده مسلک و آیین جوانمردی و کثرت و تعدد گروه‌های اخیت در جوامع و اصناف آن سامان است. همچنین در خطۀ آسیای صغیر در دو فتوت‌نامه منظوم یکی سروده ناصری سیواسی و دیگری سروده شاعری به نام عزّی مروی، و همچنین در رسالۀ فتوتیه، تألیف میرسیدعلی همدانی به اصطلاح اخیت اشاره شده است.<sup>۲</sup> (← ادامه مقاله)

بدین ترتیب، جوانمردی و فتوت از ایران و آسیای صغیر و دیگر سرزمین‌های اسلامی، و نیز از طریق روم شرقی که در تصرف مسلمانان بود، وارد اسپانیا و سیسیل شد و در این دو کشور نیز مراکز جوانمردان به پیدایی آمد و از این طریق، شیوه جوانمردی و شهسواری در دیگر مناطق اروپای مسیحی، به نام «شوالیه‌گری» شکل گرفت<sup>۳</sup>؛ با این تفاوت که جنبه‌های عرفانی تشکیلات فتوت در مغرب‌زمین رنگ باخت و مهجور ماند و جنبه‌های مدرسانی و رزمی، از جمله سواری، نیزه و شمشیرزنی، بی‌باکی و دلاوری، یاری و راستی‌جویی، سخاوت و بخشش و عشق پاک و بی‌آلایش، پررنگ‌تر شده و اهمیت ویژه یافت<sup>۴</sup> تا جایی که در سده یازدهم میلادی (قرن پنجم هجری) در اسپانیا، دو شهر مشهور گُردوبا<sup>۵</sup> (قرطبه) و گرانادا<sup>۱</sup> (غرناطه) در ناحیۀ اندلس، از مراکز مهم گردهمایی و آموزش شوالیه‌گری بودند.

۱. ابن‌بطوطه (ص ۳۱۵) واژه اخیه را صورت جمع اخی به معنی «برادر من» آورده و نوشته است: «دستۀ اخیه‌الفتیان یا برادران جوانمرد در هر شهر و آبادی و قریه از بلاد روم وجود دارد».

۲. دکتر محمد ریاض، در اثر تحقیقی خود موسوم به فتوت‌نامه که به انضمام رسالۀ فتوتیه منتشر کرده، به موضوع «اخیت و اهمیت و رابطه آن با فتوت» نیز پرداخته و مطالب ارزنده‌ای در این زمینه نگاشته است. (← منابع، ریاض)

۳. درباره تأثیر و نفوذ آداب و اصول جوانمردی ایرانیان باستان در شوالیه‌گری اروپایی، احسان نراقی به تفصیل مطالبی نگاشته است. (← کربن، ۴ و ۵، پانویست)

۴. از زمره شهسواران نامی اسپانیا در آن روزگاران می‌توان از موسی بن ابی‌الغفران و یوسف بن تاشقین نام برد. (برای آگاهی بیشتر ← ریاض: ۱۰۰-۱۰۱)

ظهور و حضور گروه‌های مردمی و جوانمرد در سرزمین‌های اسلامی، از جمله ایران و آسیای صغیر، به‌ویژه در قرون هفتم و هشتم هجری، بسیار اثرگذار و تاریخ‌ساز بود. در این دو قرن، دسته‌هایی از جوانمردان و فتیان، با هدف‌های سیاسی و مذهبی، در صحنه تاریخ ظاهر شدند، که به عنوان «جهاد فی سبیل‌الله»، در امور سیاسی دخالت می‌کردند. به‌همین دلیل، سردسته مجاهدان، به‌خصوص در نواحی آسیای صغیر، خراسان و ماوراءالنهر، با لقب «رئیس‌الفتیان» خوانده می‌شد (تشنر: ۸۱). این‌چنین بود که میان متصوفان و درویشان و مجاهدان رابطه متقابلی به‌وجود آمد. درویشان مفهوم فتوت یا فتی را از مجاهدان گرفتند و جهادگران رباط‌های درویشان و صوفیان را به‌منزله پایگاه نظامی خود انگاشته، با به‌هم آمدن و تجمع دو آرمان، مفهومی تازه به فتوت بخشیدند. جهادگران به خاطر دین و ایمان می‌جنگیدند، و مقصود اصلی فتیان برقراری مساوات و عدالت اجتماعی بود و با توسل به زور علیه قوای حاکم، هم از لحاظ بهره‌مندی همه قشرهای جامعه از نعمت‌ها و مواهب الهی و هم برای دفاع از اشخاصی که از سوی دستگاه حکومت وقت مورد جور و ستم قرار می‌گرفتند، مبارزه می‌کردند. به‌هرحال، رفته‌رفته اخوت مذهبی و آیین درویشی در فتوت نفوذ کرد و قطب‌ها و شیوخ دراویش به تشکل‌ها و احزاب فتوت پیوستند و گاه نیز پیشوایی آنها را عهده‌دار شدند.

از نخستین سده‌های اسلامی تا حدود قرن پنجم هجری، هرگاه حکومت دچار ضعف می‌شد و هرج و مرج بر مملکت سایه می‌افکند و درگیری‌های داخلی رخ می‌داد، بر قدرت و نفوذ اخیان، عیاران و فتیان افزوده می‌شد. ابن‌اثیر، تاریخ‌نگار مشهور عصر عباسی، درباره عیاران و نقش آنها در قیام‌ها و قدرت‌یابی‌ها و نیز جانب‌داری آنها از فاطمیان در مقابل عباسیان مطالب نه‌چندان روشنی نگاشته است. (ابن‌اثیر: ۱۰/۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۷؛ ۱۹/۳۱۳-۳۱۴).

باید توجه داشت که آگاهی‌های تاریخی ما از دسته‌های اخیان، فتیان یا جوانمردان، به‌ویژه تا زمان خلافت الناصر لدین‌الله (حکومت: ۵۷۵-۶۳۲ق)، اغلب از طریق نوشته‌های وقایع‌نگارانی است که در اظهارات خود یا از مقامات حکومتی جانب‌داری می‌کردند و یا کاملاً بی‌طرف نبودند.

ناصر، خلیفه عباسی، زیرکانه سیاست تازه‌ای را در قبال جوانمردان و فتیان پیش گرفت. او برای سود بردن از قدرت روزافزون فتیان و اخیان در سرزمین‌های خلافت شرقی، هم به منظور آگاهی از اعمال و افکار و تصمیمات آنان و هم برای افزودن بر امنیت و استواری حکومت و سلطه خویش و هم به قصد افزایش کارگزاران و عمال تحت نفوذ و نظارت خود و، به سخن کوتاه، برای کنترل جهان اسلامی تحت سیطره خویش، از ترفند هواداری و پیوستن به فتیان سود جست.

ناصر در سال ۵۷۸هـ.ق، با به‌جای آوردن مراسم ورود به جرگه فتیان، شامل کمر بستن و پوشیدن شلوار و نوشیدن آب نمک<sup>۱</sup> و ادای سوگند وفاداری و پیمان<sup>۲</sup>، به صف فتوت پیوست. مراسم تشریف‌النصر لدین الله به‌دست شیخ و پیر صوفیان، عبدالجبار بن یوسف بن صالح بغدادی که در آن هنگام رهبری تشکیلات فتوت را عهده‌دار بود، انجام گرفت و از آن پس با پی‌افکندن فتوتی که با رعایت منافع و مصلحت‌اندیشی و صلاح کار خود تأسیس کرده بود، برای رواج و شیوع آن در ممالک اسلامی سخت‌اهتمام ورزید. ناصر، برای آنکه فتیان امکان همدستی و اقدام علیه او را نداشته باشند، امر به فروپاشی دسته‌های موجود فتوت کرد و تنها به آنهایی اجازه فعالیت داد که از طرف او به پوشیدن «شلوار فتوت» مشرف شده و بدین واسطه پیرو او گشته بودند. ناصر امرای دیگری را که دست‌نشانده وی بودند نیز به کسوت فتوت فرا خواند و با نوشاندن «آب نمک» و پوشاندن «شلوار» به ایشان و گرد آوردن همه فتیان و طرفداران جوانمردی به‌جمع خود، سازمان فتوت تازه‌ای را بنا نهاد و این‌گونه فتوت سامان‌یافته دستگاه خلافت عباسی را در سراسر ممالک اسلامی رواج داد و توانست، با این شگرد، لشکری همدست و نیرومند برای رویارویی با دشمنان خلافت بیاراید (زرین‌کوب: ۳۵۰؛ ابن‌المعمار به نقل از افشاری ۲: بیست و چهار، پانوش ۱). ابن‌اثیر، که مهم‌ترین راوی وقایع زمان آخرین خلفای عباسی است، در عباراتی مختصر به این خودکامگی ناصر و بازسازی گروه‌های

---

۱. نوشیدن آب نمک از «جام فتوت» همراه با پوشیدن «شلوار فتوت»، برای ورود به جرگه فتیان، از مهم‌ترین آداب بوده است.

۲. آداب و مراسم پیوستن به دسته فتوت مطابق است با مراسم آیینی کستی بستن و سدره‌پوشی در ایران باستان. پوشیدن سروال یا شلوار نیز در ایران پیش از اسلام معمول بود؛ زیرا شلوار پوشش مناسبی برای سوارکاران ایرانی بوده است.



فتیان اشاره می‌کند (به‌نقل از تشنر: ۸۶). این خلیفه عباسی، با فرستادن «شلوار فتوت» برای عزالدین ابوالمظفر کیکاوس بن کیکسرو (از سلجوقیان روم) و فرا خواندن وی به فتوت، آیین جوانمردی یا اخیت را در آسیای صغیر رواج داد. (تشنر: ۸۹؛ افشاری ۲: ۲۴)

بدین ترتیب، چون شخص خلیفه به‌مثابه رهبر بزرگ فتیان قلمداد شد، فتوت به‌منزله ابزاری در دست او قرار گرفت تا بتواند در ممالک اسلامی قدرت و نفوذ خود را مستحکم کند و درواقع خلافت را از طریق فتوت احیا کند و بپاید. فرانتس تشنر (ص ۹۰) در این باره می‌نویسد:

از شواهدی که برای فتوت خلیفه ناصر ذکر شده، می‌توان دریافت که فتوت در دوره او نوعی اتحاد یا فرقه‌ای بود که سرتاسر ممالک اسلامی را شامل می‌شد و اشخاص متفرق با عقاید گوناگون، مانند ولگردان ماجراجو، سلاطین مغرور، متصوفین مؤمن گوشه‌نشین و نوع‌پرست و جوانان سبک‌سر، عضو آن بودند و در رأس همه خلیفه قرار داشت که راهبر بزرگ همه شمرده می‌شد.

سرانجام، با تسخیر بغداد به دست هولاکو (نوه چنگیزخان) و انقراض خلافت عباسی، دسته‌های فتوت در آن نواحی سرکوب شدند و در بخش‌های دیگری از سرزمین‌های اسلامی نظیر مصر و شام به حیات خود ادامه دادند، اما در آن دیار نیز بیش از یک قرن نپاییدند. با این حال آیین‌های اخوت و فتوت و جوانمردی در مناطقی که سابقه دیرین داشت، به‌کلی از بین نرفت و به اشکال دیگری به فعالیت ادامه داد. بازماندگان و پیروان این مکتب، به‌ویژه در آسیای صغیر، به دو شکل و در دو مسیر به حیات خود ادامه دادند:

(۱) در حیات سیاسی، در هیئت بکتاشیه؛

(۲) در حیات اجتماعی، در هیئت اخیت و جوانمردی.

### بکتاشیه

یکی از مشهورترین طریقه‌های شکل‌گرفته سده هفتم هجری، به‌ویژه در خطه آناتولی، بکتاشیه است که سهم بسیار برجسته‌ای در میراث ادبی آسیای کوچک داشته است. واژه بکتاش به زبان ترکی به معنی «انباز سلطان» است و بکتاشیه نام یکی از طریقه‌های شیعی مذهب مهم و تأثیرگذار اجتماعی و سیاسی آناتولی در فاصله سده‌های هفتم تا سیزدهم هجری بود.

بنیان‌گذار جماعات بکتاشی صوفی نام‌آور قرن هفتم موسوم به «بکتاش ولی» است که اصلاً از خراسان بود و سپس در آسیای صغیر ساکن شد. اورخان (حکومت: ۷۲۶-۷۶۱ق)، دومین سلطان عثمانی، سپاهیان سلحشور و جنگاور «ینی‌چری» را، که سهم بزرگی در پیروزی‌های عثمانی داشتند، برای مسلمان شدن نزد بکتاش فرستاد و از این رو، لشکریان ینی‌چری، که به‌ویژه در قرون نهم و دهم هجری روش و مرام بکتاشی را آیین رسمی خود می‌دانستند، بکتاش ولی را مراد خویش می‌خواندند. (عروج‌نیا: ۳/ ۶۵۰-۶۵۱)

پیوستن لشکر ینی‌چری به بکتاشیان اسباب تبلیغ و گسترش دین اسلام را در شبه جزیره بالکان فراهم آورد؛ زیرا این سپاهیان که نقش بسیار مهمی در کشورگشایی‌های سلاطین ترک در منطقه بالکان داشتند و سخت از سوی دولت عثمانی حمایت می‌شدند، با فتوحات چشمگیر خود در آن مناطق، آیین اسلام را نیز در آن سامان رواج دادند.

بدین ترتیب، با پیوستن ینی‌چری به بکتاشیه و حمایت از حکومت عثمانی، امکان بقا و گسترش گروه‌های بکتاشی در محیط متعصب اهل سنت آن سامان فراهم آمد، ولی سرانجام سلطان محمود دوم، که از نفوذ و قدرت‌یابی لشکر ینی‌چری بیمناک بود، در سده سیزدهم هجری این سپاه را منحل کرد و به‌تبع آن طریقه بکتاشیه را، که حامی ینی‌چریان بودند، برانداخت و با مصادره اموال و اوقاف بکتاشیان عرصه را چنان بر آنان تنگ کرد که آناتولی را ترک کردند و در آلبانی و دیگر نقاط بالکان پراکنده شدند (اصفهانیان: ۲۱-۲۲؛ لاجوردی: ۱۲/ ۳۹۶-۴۰۱). پیروان بکتاشیه، علاوه بر ترکیه و آلبانی، در مناطق دیگری از جمله مصر، سوریه، بلغارستان، مقدونیه و کوزوو نیز فعالیت داشتند. (Algar 120-121)

بکتاشیه در آسیای صغیر، افزون بر اهمیت سیاسی و اجتماعی، در تاریخ ادبیات آن خطه نیز نقش چشمگیری داشتند و آثار قابل توجهی به نظم و نثر پدید آوردند. مشهورترین شاعران بکتاشی یکی یونس امره، از زبده‌ترین سخن‌سرایان ترکیه در اواخر قرن هفتم هجری است و دیگری قایقورسوز ابدال شاعر قرن یازدهم هجری که آثار منظوم و منظوری از وی بر جا مانده است. (لاجوردی: ۱۲/ ۳۹۶-۴۰۱)

## اخیت

در آسیای صغیر، پیشه‌وران و دست‌ورزان از مرام جوانمردان استفاده کردند و اصول اعتقادی آنها را به صورت یکی از اصول صنفی خود در آوردند و از این طریق، در زمان سلاجقه آسیای صغیر، اخیت در میان ساکنان و پیشه‌وران آن سامان با ویژگی‌های خاص رواج یافت و جوانمرد یا اخی در میان عامه مردم جای خود را حفظ کرد.

به سخن دیگر، با زوال قدرت سیاسی و نظامی و رزم‌یوزی فتیان و جوانمردان، به‌ویژه در آسیای صغیر و ایران، جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی آیین جوانمردی و فتوت قوت گرفت. از آن زمان به بعد، بیشترین اعضای دسته‌های جوانمردی و فتیان را پیشه‌وران و صنعتگران و هنرمندان تشکیل می‌دادند و اگر تا نیمه قرن هفتم هجری این برادران جوانمرد در هنگامه جنگ‌ها و رویارویی با جانوران ترسناک و درنده، یا در شکار و پرورش پرندگان ویژه اشرافی و یا در عیاری و شب‌روی و کمندافکنی و بریدن نقب‌ها و به دام افکندن دشمنان و نشان دادن ضرب‌شصت در به‌کارگیری کارد و خنجر و به طور کلی در انجام مأموریت‌های رزمی و سیاسی سخت مشغول و مشهور بودند، از آن پس در سنگرهای اجتماعی عرض اندام کردند و اصول فتوت و مروّت را به‌جای می‌آوردند.<sup>۱</sup>

شرح دیدار ابن بطوطه از شهرهای آسیای صغیر و بلاد روم روشن‌ترین گزارشی است که در سطور آن می‌توان دگرگونی رفتاری و اوضاع و احوال فتیان و جوانمردان و کسب و کار آنها را پس از تغییرات و تحولات سیاسی که با سقوط بغداد در سرزمین‌های اسلامی پیش آمد، مشاهده کرد و تا حدودی به دل‌مشغولی‌ها و اهتمام جوانمردان و اخوان در آن ایام پی برد. سفرنامه سیاح نام‌برده همچون آیین‌های ساختار جماعات و تشکیلات ورشکسته سنت دیرینه جوانمردی و اخوت را در شهرهای کوچک و بزرگ آسیای صغیر منعکس ساخته است.

گفتنی است که با توجه به شرح شب‌نشینی‌ها و سفره‌آرایی‌ها و عشرت‌جویی‌هایی که در این سفرنامه آمده است، می‌توان دقایق سقوط قدم به قدم معنوی و نیز رنگ باختن

۱. مهراں افشاری، در مقدمه محققانه‌ای که بر کتاب فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه نگاشته (← منابع، افشاری ۲)، آیین خاکساریه در ایران و بکتاشیه در آناتولی و برخی دیگر از فرقه‌های درویشان نظیر قلندریه و حیدریه و ... را که بازماندگان گروه‌های فتوت و جوانمردی به شمار می‌روند، به تفصیل بررسی کرده است.

تدریجی برخی از اصول برجسته اخلاقی این دسته‌ها را که در دوران اخیر با القاب دیگری همچون قلندر، لوتی، داش‌مشتی، کفترباز و غیره خوانده می‌شوند، باز یافت. تغییر ماهیت توان‌های رزمی و زورمندی و شکار جانوران درنده و انتقال این مهارت‌ها از صحنه پیکارهای سیاسی و میدان‌های نبرد به‌درون اجتماعات مردمی، از یک‌سو، و توجه ویژه به سرگرم کردن عوام و شادی‌آفرینی برای مردم، از سوی دیگر، موجب پدید آمدن مهارت‌های متعدد هنری و تفریحی و مشاغل و پیشه‌های جدید در میان اعضای این طایفه شد. برخی از نویسندگان فتوت‌نامه‌ها از سه گروه «معرکه‌گیران»، «اهل بازی» و «پهلوانان» نام می‌برند که نمایش‌های آنان مایه مسرت و سرگرمی مردم بوده است.

حسین واعظ کاشفی، مؤلف فتوت‌نامه سلطانی، اعضای این گروه‌های هنرور را از زمره اهل فتوت دانسته، در باب ششم از کتاب خود، شرح حال و چگونگی هر یک از این هنرها، لوازم و ابزار ضروری انجام آنها، و معانی و مفاهیم نهفته در این اعمال صوری را در چهار فصل جداگانه به تفصیل آورده است.

وی در فصل نخست، که درباره معرکه و انواع معرکه‌گیری است، این فن را به سه گروه نسبت می‌دهد: «اهل سخن»، «اهل زور» و «اهل بازی». (واعظ کاشفی: ۲۷۵-۲۷۹) مؤلف در فصل دوم، «اهل سخن» را مشتمل بر سه طایفه می‌داند: (۱) مدآحان و غرآخوانان و سقایان؛ (۲) خواص‌گویان و بساطاندازان؛ (۳) افسانه‌گویان و قصه‌خوانان (یعنی نقالان که روایات را به‌دو صورت حکایت‌گویی و نظم‌خوانی نقل می‌کنند). (همان: ۲۸۰)

وی در فصل سوم، «اهل زور» را به هشت طایفه تقسیم می‌کند: کشتی‌گیران، سنگ‌گیران، ناوه‌کشان، سله‌کشان، حمّالان، مغیرگیران، رسن‌بازان، و زورگران (زورگری نیز هشت‌گونه است: سنگ‌شکنی، استخوان‌شکنی، داربازی، سنگ‌افکنی، پیل زور کردن، سنگ آسیا برداشتن، تیرجه‌نگی [پرش]، و مردگیری یعنی «کسی را به دوش کشیدن و بردن و نینداختن»). (همان: ۳۰۶، ۳۳۰)

او در فصل چهارم، در توصیف «اهل بازی»، آنان را مشتمل بر سه طایفه می‌خواند: طاس‌بازان، لعبت‌بازان (که دو گروه‌اند: خیمه‌بازان و خیمه‌شب‌بازان)، و حقه‌بازان (شعبده‌بازان). (همان: ۳۳۷) کاشفی در باب هفتم فتوت‌نامه سلطانی به شرح و توصیف «اهل قبضه» و احوال آنان می‌پردازد (همان: ۳۴۵). در این بخش که از منابع مهم جامعه‌شناسی تاریخی

است و اشاره مبرهن بر ورود پیشه‌وران و کاسب‌کارانی همچون قصابان و نانویان و دیگر اقشار مردمی در صنوف فتوت دارد، می‌توان پیشینه کاربرد و حرمت و اعتبار برخی از عنوان‌ها و اصطلاح‌های نظیر «جوانمرد قصاب»، «یارشاطر» و... را بازجست.

برخی از کاربران قبضه‌ها پهلوانان و سپاهیان‌اند، بعضی دست‌ورزان و صنعت‌کاران، و پاره‌ای دیگر خدمتگزاران و فرآشان. برشمردن یک‌یک قبضه‌ها در این اثر ثمین و ممتاز فرهنگ عامه، نشان‌دهنده جامعیت دسته‌های جوانمردی و پذیرش عموم اقشار مردم است که نیروهای فعال و محترم جامعه هستند و اعتقاد به کرامت انسانی دارند. واعظ کاشفی (ص ۳۴۷)، ضمن برشمردن قبضه آلات و ابزار ویژه هر صنف و آداب و شیوه به کارگیری آنها<sup>۱</sup>، در تعریف قبضه می‌نویسد: «هر که چیزی را فرامی‌گیرد و قبض می‌کند». وی انواع قبضه دست‌افزارها را بدین‌گونه به پهلوانان، صنعتگران و صاحبان مشاغل تخصیص می‌دهد: قبضه گرز، سپر، کمان، کارد، نیام، تیشه، اره، ساطور، داس. بعضی قبضه سپاهیان و پهلوانان است، برخی از آن سلاخان و قصابان و برخی دیگر به برزگران و دهقانان تعلق دارد. ماله از آن بتایان است، پتک به اهل دم و کوره تعلق دارد، کمان ندف از آن حلاجان و نمدمالان، کدنگ از آن گازران و رنگرزان، اطو از آن درزیان و طاقیه‌دوزان، کفچه از آن حلواگران و قنادان، کلنگ از آن چاه‌کنان، سیخ از آن پشته‌کشان، کووه از آن اهل درفش و بخیه، و طغماق خاصه فرآشان است. قبضه کارد، کاردمال، ساطور و تبر از آن فرزندان جوانمرد است و از جمله هفده کمر بسته که در ملازمت حضرت «شاه ولایت» بودند، یکی جوانمرد قصاب است.<sup>۲</sup> (همان: ۳۴۷-۳۴۹)

با این توصیف که در اثر یادشده آمده است، هم‌ترازی و برابری حرمت پیشه‌وران، پهلوانان و دست‌ورزان از دیدگاه جوانمردان و اخیان آشکار می‌شود.

با اینکه فتوت و جوانمردی یا اخیت از نخستین سده‌های اسلامی از مهم‌ترین نهادها و نهضت‌های مردمی ایران و آسیای صغیر، به‌ویژه در دو قرن هفتم و هشتم هجری بوده است و از جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی، اخلاقی و تربیتی، معیشتی و

۱. واعظ کاشفی در باب هفتم فتوت‌نامه سلطانی، تحت عنوان «در بیان اهل قبضه و حالات ایشان»، به تفصیل

درباره هریک از قبضه‌ها توضیح داده است. (← واعظ کاشفی: ۳۴۵-۳۹۳)

۲. داستان «جوانمرد قصاب» در نزهة القلوب حمدالله مستوفی آمده است. (← ریاض: ۱۱۳؛ افشاری ۱: ۲۲-۲۴)

غیره نفوذ و تظاهر بارزی داشته است، ولی منابع مکتوب و مستند قابل دسترس در این زمینه با وسعت تأثیر و گسترش این نهضت‌ها متناسب نیست. شاید بتوان برای اندک‌آگاهی ما از جوانمردان و اخیان دو دلیل مهم برشمرد: نخست آنکه وجود چنین گروه‌های بی‌باک و رزم‌یوز و فداکار و مردمی همواره تهدیدی برای طبقه حاکمه محسوب می‌شدند و زیان‌باری و مزاحمتی که برای توانگران، متنفذان و صاحب‌منصبان ایجاد می‌کردند موجب گردیده بود که آنان به چشم حقارت نگریسته شوند و طبیعی است که در چنین شرایطی، در متون و اسناد دیگر از آنها نه به اندازه و نه به نیکی یاد نشود. دو دیگر آنکه نوشته‌ها و تألیفات آنان، که اغلب نگارندگان آنها از طبقه پیشه‌وران و کاسب‌کاران و نویسندگان گمنام یا کم‌آوازه بودند، جزء ادبیات عامه و فرهنگ مردمی محسوب می‌شود و در تاریخ ادبیات ممالک اسلامی، نوشته‌های عامیانه در کنار مجموعه ادبیات غنی و پر بار این مرز و بوم ارزش کمتری برای حفظ و نشر و ماندگاری داشته است.

با همه آنچه گفته شد، بخش قابل توجهی از نتایج سربرآوردن و فرو ماندن فتیان و جوانمردان و اخیان، افزوده شدن بر گنجینه ادبیات جهانی است. منابع و مطالب مربوط به این گروه‌ها، علاوه بر گزارش‌ها و اخبار یادشده، در سفرنامه‌ها و تواریخی مانند *سفرنامه ابن بطوطه*، *تاریخ سیستان*، *تاریخ کامل* و... یا در بخشی از کتاب‌های اخلاقی و تعلیمی، نظیر باب چهل و چهارم از کتاب *قابوس‌نامه* آمده؛ یا حکایاتی است در *اسکندرنامه*، *رموز حمزه*، *سمک عیار* و مانند اینها؛ و یا در کتاب و رساله‌های مستقل به قلم مؤلفی عارف‌مسلک و حکیم یا فردی از اهل فتوت و یا از هواداران آنان نگاشته شده است. بیشتر این نوشته‌ها به فتوت‌نامه شهرت دارند.

فتوت‌نامه تألیفاتی را گویند که درباره روش و منش، آداب و رسوم، اعتقادات و اصول و عادات و شیوه‌های جوانمردی و اخیت نوشته شده است.

فتوت‌نامه‌های چندی به نثر یا به نظم، به زبان‌های فارسی، ترکی و عربی نگاشته شده که به دلیل اشمال جامع بر ساختار جوامع آن اعصار و قرون سپری‌شده، اسناد و شواهد بسیار مهمی برای تمامی پژوهش‌های مربوط به حوزه علوم انسانی و اجتماعی است.

مهم‌ترین فتوت‌نامه‌های فارسی به شرح زیر معرفی می‌شود:

- (۱) *تحفة الاخوان فی خصایص الفتیان*، تألیف عبدالرزاق کاشانی (وفات: ۷۳۰-۷۳۵ق).<sup>۱</sup> مؤلف این فتوت‌نامه را نخست به عربی نوشت و سپس به فارسی برگرداند.<sup>۲</sup>
- (۲) فتوت‌نامه‌ای برگرفته از کتاب *نفایس الفنون فی عرایس العیون*، تألیف شمس‌الدین محمد بن محمود آملی (وفات: ۷۵۳ق). اسماعیل پاشا بغدادی، مؤلف *هدیه‌العارفین علم فتوت* را فن پنجم از علوم متصوفه دانسته، می‌نویسد که این مطلب را از کتاب *نفایس الفنون* استخراج کرده است. (به نقل از صراف ۲: ۱۹)
- ۳ و ۴) دو فتوت‌نامه از عارف شهیر قرن هفتم هجری، شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی (وفات: ۶۳۲ق). این هر دو فتوت‌نامه در مجموعه‌ای به نام *اوصاف‌الاشراف*، که نسخه اصلی آن متعلق به کتابخانه ایاصوفیه است، جای دارد.<sup>۳</sup>
- (۵) *فتوت‌نامه نجم‌الدین زرکوب*، تألیف نجم‌الدین ابوبکر طاهری تبریزی، شاعر و صوفی آذربایجانی (وفات: ۷۱۲ق).
- (۶) باب ششم از کتاب *زبده‌الطریق الی الله*، درباره صوفیه، فتوت‌نامه‌ای کوتاه، تألیف درویش علی بن یوسف کرکهری (تاریخ تألیف: ۸۰۵ق).
- (۷) *فتوت‌نامه چیت‌سازان*، که به صورت پرسش و پاسخ تألیف شده است. هر هفت فتوت‌نامه یادشده در کتاب *رسائل جوانمردان*، به‌همت و تصحیح زنده‌یاد مرتضی صراف، همراه با فشرده‌ای از فتوت‌نامه‌های مذکور به زبان فرانسه، به قلم روان‌شاد هانری کربن، در تهران در ۱۳۵۲ منتشر شده است.
- (۸) *رساله فتوتیه*، تألیف میرسید علی همدانی، عارف، عالم و شاعر ایرانی (وفات: ۷۸۶ق)، ملقب به «علی ثانی». نسخه‌های خطی متعددی از این رساله موجود است و چندین بار نیز به چاپ رسیده است. دکتر محمد ریاض، محقق پاکستانی، این رساله را تصحیح کرد، که
- 
۱. شادروان مرتضی صراف، با مقایسه و تطبیق متن عربی و فارسی این فتوت‌نامه، برگردان فارسی آن را مشروح‌تر و مفصل‌تر دانسته است. (صراف ۲: ۱۶-۱۷)
۲. متن فارسی و عربی این فتوت‌نامه، در یک مجلد، به اهتمام سید محمد دامادی و به همت شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، در ۱۳۶۹ منتشر شده است.
۳. نخستین بار فرانتس گوستاو تشنر، شرق‌شناس آلمانی، فتوت‌نامه‌های سهروردی را در *مجلة مطالعات شرقی* معرفی کرده است. (→ TAESCHNER: 277-280)

به صورت ضمیمه کتاب فتوت‌نامه (تاریخ، آیین، آداب و رسوم)، به کوشش عبدالکریم جریزه‌دار و به همت انتشارات اساطیر، در تهران در ۱۳۸۲ منتشر شد.<sup>۱</sup>

۹) فتوت‌نامه منظوم منسوب به عطار، که در دیوان عطار به تصحیح شادروان سعید نفیسی آمده است. ولی محققانی چون تشنر و محمد ریاض در درستی این انتساب تردید کردند و با بررسی بسیاری از نسخه‌های خطی اهل فتوت، این فتوت‌نامه منظوم را سروده شاعری به نام سید عزّی مروی دانسته‌اند. (← افشاری ۲: ۳۵-۳۶)

۱۰) فتوت‌نامه ناصری، عنوان فتوت‌نامه‌ای است منظوم، در قالب مثنوی، سروده مولانا ناصری، عارف و شاعر پارسی‌سرای اواخر قرن هفتم هجری در آناتولی شرقی، در ۶۸۹ق. این فتوت‌نامه نخست به کوشش فرانتس تشنر، تصحیح و در لایپزیک، در ۱۹۴۳م، منتشر شد، سپس سعید نفیسی در مجلد دهم فرهنگ ایران‌زمین، در ۱۳۴۱ آن را به چاپ رساند و سرانجام به صورت ضمیمه کتاب فتوت در کشورهای اسلامی، نوشته عبدالباقی گولپینارلی، در ۱۳۷۹ به چاپ رسید. از این فتوت‌نامه دو نسخه خطی در کتابخانه‌های استانبول موجود است یکی در کتابخانه کوپولو به شماره ۱۵۹۷ و دیگری در کتابخانه ایاصوفیه به شماره ۲۰۴۹. (همان: ۴۴)

۱۱) مجموع سی رساله درباره فتوت و جوانمردی و عقاید و آداب جوانمردان در فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه (شامل هفده فتوت‌نامه و سیزده رساله خاکساریه)، که به کوشش مهراں افشاری و به همت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در ۱۳۸۲، به چاپ رسیده است.<sup>۲</sup> محقق نام‌برده، در مقدمه این کتاب، می‌نویسد:

بسیاری از رساله‌هایی که در فهرست‌های نسخه‌های خطی تحت عنوان فتوت‌نامه، فخرنامه و رساله در آداب درویشی شناسانده شده است، از نوشته‌های خاکساریه عهد قاجار است. (همان: ۱۴۱)

---

۱. سید علی همدانی چهار چیز را اصول فتوت می‌داند: (۱) عفو کردن با توانایی، (۲) بردباری در وقت خشم، (۳) نیک‌اندیشی با دشمن، (۴) ایثار کردن با وجود احتیاج به مؤثر به. (ریاض: ۱۶۵)

۲. مؤلفان اغلب این سی رساله منثور و منظوم، خود، جوانمردانی بوده‌اند که ادیب نبوده و با زبانی ساده و گاه عامیانه نوشته‌اند و نامی نیز از خود نبرده‌اند. دانش‌پژوه ارجمند، مهراں افشاری، این فتوت‌نامه‌های گمنام را با از طریق فهرست‌های نسخ خطی به دست آورده، یا شخصاً با تفحص در جنگ‌ها و مجموعه‌های خطی کتابخانه‌ها، از جمله کتابخانه‌های ایاصوفیه و ملت افندی، یافته و به تصحیح و انتشار آنها همت گمارده است.



(۱۲) *فتوت‌نامه سلطانی*، تألیف مولانا حسین واعظ کاشفی سبزواری (وفات: ۹۱۰ق)، که مفصل‌ترین و جامع‌ترین *فتوت‌نامه* موجود است و به‌اهتمام و با مقدمه مبسوط و عالمانه زنده‌یاد محمدجعفر محبوب، در دو مجلد در انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، در سال ۱۳۴۸ منتشر شده است. واعظ کاشفی نوشته خود را از نخستین نقطه دایره فتوت در سنت اسلامی آغاز کرده، به ترتیب حلقه‌های سلسله جوانمردان و اسباب رسیدن هر یک از آنان را به مقام والای جوانمردی یاد می‌کند. وی ده خصلت را لازمه جوانمردی می‌شمارد که عبارت‌اند از: با حق به صدق، با خلق به انصاف، با نفس خود به قهر، با بزرگان به خدمت، با خردان به شفقت، با دوستان به نصیحت، با علما به تواضع، با حکما به حلم، با دشمنان به سخاوت، با جاهلان به خموشی (واعظ کاشفی: ۲۸). سپس تمامی اصول و شرایط، آداب و عادات و رسوم، لوازم و ضروریات، و حالات اصناف فقیان و صوفیان و جوانمردان را به تفصیل در هفت باب بیان کرده است.

(۱۳) *فتوت‌نامه میرزا عبدالعظیم خان گرکانی* (وفات: ۱۳۴۴ش) که به کوشش مهران افشاری و مهدی مداینی، در *چهارده رساله در باب فتوت و اصناف*، در ۱۳۸۱ به چاپ رسید. لوید ریجون، پژوهشگر مطالعات اسلامی، این متن را به انگلیسی ترجمه و در ادینبورگ، در ۲۰۱۱م منتشر کرد.<sup>۱</sup>

## منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی، *کامل: تاریخ بزرگ تمدن اسلام و ایران*، ج ۱۲: ترجمه عباس خلیلی، ج ۱۹: ترجمه ابوالقاسم حالت، علمی، تهران: آبی‌تا.
- اصفهانیان، داوود، «سیری در افکار بکتاشیه»، *ارمغان*، س ۵۸، ش ۱، فروردین ۱۳۵۵، ص ۱۷-۲۲.
- ابن بطوطه، *سفرنامه*، ترجمه دکتر محمدعلی موحد، علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۱.
- افشاری، مهران (۱)، «جوانمرد قصاب»، *سروش*، ش ۵۱۴، ۱۳۶۹، ص ۲۲-۲۴.
- \_\_\_\_\_ (۲) ← *فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه*.
- باقری، مهری، «آیین ایتاری (عیاری)، پیشینه آن در ایران باستان و ادامه آن در دوران اسلامی»، *یادنامه* دکتر حسن حبیبی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۹۵؛ ص ۱۷۵-۱۹۰.
- تاریخ سیستان*، تصحیح ملک‌الشعرا بهار، خاور، تهران ۱۳۶۶.

1. Ridgeon, Lloyd, *Jawanmardi: A Sufi Code of Honour*, Edinburgh 2011.

تشنر، فرانتس، «فتوت کشورهای اسلامی و نوع ظهور گوناگون آنها مخصوصاً در ایران و کشورهای همجوار آن»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، س ۴، ش ۲، ۱۳۳۵، ص ۷۶-۹۴.  
*رسایل جوانمردان (مشمول بر هفت فتوت‌نامه)*، با تصحیحات و مقدمه مرتضی صراف، با مقدمه و خلاصه فرانسوی هانری کریبن، انجمن ایرانشناسی فرانسه و شرکت انتشارات معین، تهران ۱۳۷۰.  
ریاض، محمد، *فتوت‌نامه (تاریخ، آیین، آداب و رسوم)*، به انضمام رساله فتوتیه میرسید علی همدانی، به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار، اساطیر، تهران ۱۳۸۲.

زرین کوب، عبدالحسین، *جستجو در تصوف ایران*، امیرکبیر، تهران ۱۳۵۷.  
صراف، مرتضی (۱)، «جوانمردان» (۱، ۲، ۳، ۴)، *ارمغان*، دوره چهارم، ۱۳۵۰، ش ۲، ص ۸۴-۹۵؛ ش ۴، ص ۲۳۲-۲۳۸؛ ش ۵، ص ۳۱۵-۳۲۰؛ ش ۶، ص ۳۸۴-۳۹۴.  
\_\_\_\_\_ (۲) ← *رسایل جوانمردان*.

عروج‌نیا، پروانه، «بکتاش ولی»، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، تهران ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۶۵۰-۶۵۱.  
عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر، *قابوس‌نامه*، به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۵۲.

*فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه (سی رساله)*، با مقدمه و تصحیح و توضیح مهران افشاری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۸۲.

کرین، هانری، آیین جوانمردی، ترجمه احسان نراقی، سخن، تهران ۱۳۸۳.  
لاجوردی، فاطمه، «بکتاشیه»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم بجنوردی، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۸۳؛ ج ۱۲، ص ۳۹۶-۴۰۱.

نفیسی، سعید، *سرچشمه تصوف در ایران*، فروغی، تهران ۱۳۶۶.  
واعظ کاشفی سبزواری، حسین، *فتوت‌نامه سلطانی*، به اهتمام محمدجعفر محبوب، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۰.

Algar, Hamid, "Bektāšīya", *Encyclopaedia Iranica*, Ehsan Yarshater (ed.), Routledge and Keegan Paul, London and Boston 1989, vol. IV, pp. 118-122.

Taeschner, Franz Gustav, "The Odyen of Futuwwa Studies", *Oriens*, 15, 1962, pp. 277-280.